

باشگاه خبرنگاران: طرح دوفوریتی شفافیت و نظارت در تأمین مالی فعالیت‌های انتخابی در انتخابات مجلس که دیروز در جلسهٔ تصویب شده بود امروز برای بررسی و تأیید به شورای نگهبان ارسال شد.

خانه‌ملت: حسین امیرعبداللّهیان دستیار ویژه رئیس‌ومدیر کل بین‌الملل

مجلس با اشاره به طرح موسوم به معامله قرن دولت امریکا در مورد فلسطین گفت: این طرح همانند سایر طرح‌های جانبدارانه امریکا از تل آویو، محتوم به شکست است.

فارس: دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه در جبهه سوم

حق و باطل اقتصاد ایران را باید از افکار لیبرالی نجات داد، گفت: باید به دنبال

امید واقعی به جای امید به سراب باشیم، سابقه واقعی را که بر سر می‌کنیم

می‌بینیم که تدبیر و امید واقعی در مبارزه با باطل و امریکا وجود دارد.

ایرادات

محمدجواد اخوان

کاش حرمت خون سردار را نگاه می‌داشتید!

اظهار تمایل وزیر امور خارجه کشورمان به مذاکره، در مقابل گستاخی هر چه بیشتر رئیس‌جمهور امریکا با دیگر موضوع مذاکره را به رسانه‌ها کشاند. وزیر امور خار جه ایران در مصاحبه با نشربه آلمانی اشپگل درباره احتمال مذاکره با امریکا بدی بی‌تور سردار شهید سلیمانی گفته بود: «خبر، من هرگز این احتمال را نمی‌کنم که اف‌ا، رویکردهای خود را تغییر دهند و حقایق را درک کنند. برای ما مهم نیست که چه کسی در کاخ سفید نشسته باشد. آنچه مهم است، نوع رفتار آنهاست. دولت ترامپ می‌تواند، گذشته خود را اصلاح، تحریم‌ها را لغو کند و به‌میز مذاکره باز گردد. ما همچنان در میز مذاکره هستیم. آنها میز مذاکره را ترک کردند. امریکا خسارت عظیمی به مردم ایران وارد آورده است. زوری خواهد رسید که آنها مجبور می‌شوند، این خسارت را جبران کنند. ما صبر زیادی داریم.»
«پس از آن، «هوانالد ترامپ» رئیس‌جمهور امریکا بدی پناهی در توییتر به سخنان «محمدجواد ظریف» وزیر امور خار جه ایران در باره مذاکره با امریکا واکنش نشان داد، وی در این پیام توییتری نوشت: «وزیر امور خارجه ایران گفته که ایران خواستار مذاکره با امریکا است اما خواستار برداشته شدن تحریم‌هاست.»
ترامپ در ادامه پیام توییتری خود در جواب این سخنان ظریف نوشت: «نه مرسی»

مسیر تاریخی ملت ایران در طول ۴۰ سال گذشته سرشار از چالش‌ها و مشکلاتی بوده که به تعبیری می‌توان آنها را به‌مثابه امحاثاتی در نظر گرفت که برای جامعه در آن سلطه‌شده و فولاد استقامت آنان در این کوران، آیدیدته شد.به‌حق می‌توان ملت ایران را مصداق این آیه شریفه کلام‌الله مجید دانست که «لَمَّا قَالَ لُمُؤْمِنِينَ إِنِّ نَأْتِيَنَ الْبَأْسَ كَمَا أَخْرَجُوهُمُ فَرَأَوْهُمُ يَوَاقِمُ أَيْمَانًا فُقَالُوا خَسِبْتُمْ أَتَمَعُوا لِمَا أُكْفِرُوا بِهَا فَآمِنُوا كَيْفَ امُنُوا وَرَأَوْا كَرُمًا لَمْ يَرَوْهَا كُنَّتْ لَكُمْ آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (بعضی از مردم، به آن گفتند: شما مردم ستمگر! آری! (حمله به شما) اجتماع کرده‌اند؛ از آنها پرسیدند: اما این سخن، بر ایمان شما افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست.» البته در طول تاریخ کم نوبه‌اند کسانی که در مقابل فشارهای دشمن و نیز بزنی از آسیب‌های درونی، ولایت شیطان را پذیرفته و تسلیم در مقابل زاده‌خوبه‌های مستکبران فرود آورده‌اند. موردی بر نوع مواجهه کشورهای ضعیف و عقب نگاه داشته شده با مقوله پیشرفت، خود درس عبرت آموزی از این جهت است. کم نوبه‌اند کسانی که در مقابل نظام سلطه گر و سلطه‌پذیر مطلوب مستکبران سر خم کرده‌اشکارا مسیر پیشرفت خود را دنبال استکبارورزی دشمنان آری تعریف کرده‌اند. برخی نخبگان غرب‌گرا و غرب‌پار در جوامع مستضعف، کعبه آمال خود را پیروی از غرب و تبدیل شدن به یکی از اقلم نظام سلطه تصویب کرده‌اند. متأسفانه باید گفت برخی غرب‌گرایان چنان مسخ‌شده‌اند و دل‌هایشان در مرده است که توفیق حسن ظن به یزندیان استکباری را در برابر انبوه مشکلات و فشارهای دشمن در طول سال‌های متمادى دریافت. اکنون نیز در دهه پنجم انقلاب اسلامی، همین بنیان توحیدی، انگوی پیشرفت ملت ایران را رقم می‌زند که «وَلَوْ أَنَّهُ أَفْلَحُ الْفَرَىٰ أَمْثَلُ وَاتَّقُوا الْفِتْنَةَ عَظِيمَةَ كَمَا تَمَنَّى السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»

واقعتی آن است که منازعه امروز نظام اسلامی و سلطه‌گران وارد مر حله جدیدی شده و آن تلاش غرب برای تضعیف نقاط قوت و برجیدن مؤلفه‌های اقتدار ملی ایران اسلامی است. در یک‌سودولت ایالات‌متحده امریکا قرار دارد که برجام را، همراه با علنا به تئور سردار شهید سلیمانی در کشوری ثالث دست‌نزد و عدم بازگشت سلطه‌اسلامی را در برابر انبوه مشکلات و فشارهای دشمن می‌کند و در ضلع دیگر رویایی‌ها نیز: حفظ برجام‌معویب و ناقص فعلی راه‌محدوسازی ایران در موضوع نفوذ و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، توانمندی موشکی و بازآرندنگی دفاعی ایران و - مشروط می‌کنند و با امریکا در ماجرای تئور شهید سلیمانی همراهی می‌دهند.

حتی اگر خون شهید سلیمانی را به فراموشی سپرده شود- که چنین نخواهد شد- منطقی نیست که منتظر مابه‌ازای اقتصادی در برابر این قربانیان آبی برجام باشیم، چرا که برجام در پهارش ثمری نداشت، چه رسد به موسم خزان. حتی اگر بفرض مجال تسلیم شدن قرار بود «آینبات» می‌به همراه داشته باشد، باید حواس مان باشد که داریم چه مرور پدیده‌ای را با آن معاوضه می‌کنیم. عدول از نقاط قوت راهبردی و قربانی کردن امنیت ملی کشور و بر سر مؤلفه‌های بازآرندنگی دفاعی، همچون توانمندی موشکی و سلاح‌های راهبردی بنان معناست که به دست خود وارد فرایند خلع سلاحی شویم که نهنتمایه‌بینی متعارف بین‌المللی ندارد. بلکه خارق‌منطق عقلی نیز هست حتی اگر مذاکره بر سر موشک‌ها به نتیجه هم نرسد، روزه به آن بهیچ‌عنوان به صلاح نیست. ورود به این چرخه از حادق ضرر ضرر دارد، که دارد، باید شدن مثبت‌بسته دفاعی در مقابل طرف مقابل است. امری که سال‌های سال غریبان برای آن تلاش کرده و ناموفق بوده‌اند. توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران از نوع متعارف بوده که خلاف هیچ معاهده بین‌المللی نیست و نباید زیر بار بدعت گفت‌وگو درباره آن رفت. حوزه دیگر چالش غرب با اقتدار ملی ایران، در حوزه قدرت منطقه‌ای و نفوذ ایران در عرصه غرب آسیاست که حاصل مجاهدت چندین ساله سلیمانی‌هاست.

غربی‌ها امروز نمی‌توانند ایران را با عنوان بازگر مهم و تعیین‌کننده منطقه‌ای نادیده بگیرند و ما نیز نباید بر سر اصل بازیگری و نیز راهبردها و تاکتیک‌های خود در محیط منطقه با کسی مذاکره کنیم. قطعاً جمهوری اسلامی ایران همانند گذشته به‌عنوان یک بازیگر منطقه با دیگر اطراف تأثیرگذار در تحولات منطقه به‌صورت دو جانبه بر سر راه‌حل‌های مفید در خصوص بحران‌های منطقه مذاکره کرده، اما بهیچ‌عنوان زیر بار مذاکره بر سر اقتدار منطقه‌ای خود و تصمیمات راهبردی خود در این منطقه نخواهد رفت. در همین ترتیب مذاکره به پنهان حقوق بشر، در حکم دخالت طرف غربی در شئون داخلی کشور و نفی استقلال و حاکمیت ملی ایران تلقی شده و قابل‌قبول نیست.

علی‌ای حال باید گفت راهبرد امریکایی فشار حداکثری- مذاکره و الگوی غربگرایان داخلی سزای مذاکره - گشایش اقتصادی مدت‌هاست که شکست‌خورده است. اما ای کاش برخی حرمت خون پاک شهید سلیمانی را نگه می‌داشتند و حداقل تا چندین سال مذاکره با اقتلاش دم نمی‌زدند!

۲ جوان

کبری آسوارش

رد صلاحیت هم حزبی‌ها و حامیان دولت با هم

اعتراضی شدید رئیس‌جمهور را موجب شد، او در

سخنرانی دی‌روزش مشخصاً از حزب متبوع خود،

یعنی «اعتدال و توسعه» نام برد. پیش از این، رئیس

دفتر رئیس‌جمهور هم از رد صلاحیت نامزد های

این حزب گلایه کرده بود. اعضای دولت به دلیل

آنکه مجری انتخابات هستند، مطابق قانون اجازه

دخالت جناحی در رقابت‌های انتخاباتی را ندارند.

رئیس‌جمهور هفته پیش از آشنستی ملی گفت اما

نه از جنجال سخنرانی‌هایش کم کرد مگر تا حد اقل،

و حدت پس از حوادث تلخ دی ماه خدشده‌دار

نشود، و نه توانست ملی بودن جایگاهی را که در

آن قرار گرفته، حرمت نگه دارد و در مقام رئیس

جمهور، همچون رهبر یک حزب رد صلاحیت

شده، یا به عرصه جناحی انتخابات نگذارد. دولت

کار نامه کاری جالب توجهی ندارد؛ انتخابات زیاد

است و فرار از پاسخگویی از مسیر جنجال‌آفرینی

راهی است که روحانی دولت‌مدانش برگزیده‌اند

او در بخش‌هایی از سخنرانی‌اش از ریاست یک

حزب هم فراتر می‌رود و رسماً نسبتاً لایق بیوسین

می‌گیرد. تلو یحسا انتخابات کنونی در ایران را با

انتخابات زمان پهلوی و انتخابات پس از انحراف

انقلاب مشروطه قیاس می‌کند و حتی با زیر سؤال

بردن نحوه شمارش آرا، سلامت انتخاباتی را که

خود بر گزار کننده آن است، تخطئه می‌کند برای

پوشش خبری این سخنان رئیس‌جمهور صراف‌از

تیم‌های خبری دو خبرگزاری دولتی ایستا و ایرنا

دعوت شده بود. این گزارش‌ها گاهی به بخش‌هایی

از این سخنرانی عجیب است. عجیب به آن دلیل

که شاید ایران تنها کشوری است که با ساختارهای

اجرائی‌اش و مسئول اجرای قانون، بر سر ساختن مقام

قانونی کشور و مراصحتاً تخطئه می‌کند.

حسن روحانی در سخنان خود در همایش استانداران

و فرمانداران، با ذکر مثالی، فرض می‌کند جامعه ایران

صاحب سه سلیقه سیاسی باشد و می‌گوید: «فرض

کنید کشوری داریم که در آن سه سلیقه وجود دارد،

یک سلیقه، سلیقه اولترا، یک سلیقه اصلاح‌طلب و

یک سلیقه امتدالگراست. آن وقت توی انتخابات، یک

سلیقه فراوان و یکی دیگر کم‌تانه را باید با در بین

تلسکوپ در آسمان هفتم پدیدایش کرد و یک سلیقه

هم که اصلاً نیست و وجود ندارد.» «مطلبی ترکیبی که

روحانی چیده، آن سلیقه‌ای که گویا اصلاح‌ر انتخابات

کاندیدایی برایش نامنده است، حزب اعتدال و توسعه،

یعنی حزب دوستان حسن روحانی، حزب چهارم،

معروف حزب اعتدال و وجود نداشت، اما ظاهر نوبخت،

محمود واعظی، اکبر ترکان و محمدرام نعمت‌زاده

در دولت حضور دارند. حسن روحانی در بسیاری از

جلسات شورای مرکزی حزب حضور داشته و در دو

انتخابات ۹۲ و ۹۶ هم به عنوان کاندیدای رسمی حزب

معرفی شده‌است.

این روزها هم او نگران کاندیدایی حزب خود است و سایر

رد صلاحیت شده‌ها هم اگر اصلاح‌طلب و حامی دولت

باشند، رد صلاحیت نمی‌آورد اعتراض قرار می‌گیرد

این در حالی است که جایگاه ریاست جمهوری برای

همه مردم است. اما حالا که روحانی خواسته نه رئیس

جمهور، بلکه لیدر یک حزب باشد، کاش از اعضای رد

صلاحیت شده حزب خود بخواده دلایل رد صلاحیت

را منتشر کند. شورای نگهبان برای این کار منع قانونی

دارد، اما دول‌طلبان چنین معنی ندارند. آیا روحانی از این

شفافیت دفاع و دلایل رد صلاحیت هم حزبی‌هاش را

منتشر می‌کند؟

قیاس وضعیت کنونی با انتخابات پهلوی و

انحراف انقلاب مشروطه

اما از بخش‌های قابل تأمل سخنرانی رئیس‌جمهور،

تشابه‌سازی او میان انتخابات کنونی ایران و

انتخابات‌های زمان پهلوی و سپس از انحراف انقلاب

مشروطه است. ابتدا نصف مطلب مشروطه را می‌گوید.

«ما از مشروطه با مسئله آرا و رأی مردم و انتخابات و

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

پایان

| روزنامه جوان | شماره ۵۸۵۵ |

سرویس سیاسی، ۸۸۴۹۸۴۲

رئیس‌جمهور در قامت اپوزیسیون!



خودش منحرف شد، استبدادگران آمدند و مسلط شدند و بعد انتخابات، تشریفات انتصابات شد.» و از بزرگ‌ترین خطر برای حاکمیت ملی می‌گوید و دعا می‌کند روزی همچون انتخابات‌های زمان پهلوی پیش نیاید: «بزرگ‌ترین خطر برای دموکراسی و حاکمیت ملی آن روزی است که انتخابات تشریفات شود. جای دیگری انتصاب فریامند و بعد مردم پای صندوق بروند بخوانند تشریفات انتخابات را زمام دهند. خدا نکند یک همچون روزی برای کشور ما پیش بیاید، چون در زمان رژیم گذشته یادتان است که در دوره‌های

انتخابیه یک‌عددی می‌آمدند ولی همه می‌دانستند که

وکیل چه کسی است می‌گفتند فلاقی است و تهران

تعیین شده است.» و روحانی سپس از دلیل انقلاب

کردن مردم در سال ۵۷ می‌گوید: «یک دلیل انقلاب

مردم ما این بود که خودشان بر سرنوشت خودشان

حاکم شوند. معلوم شد که دیگر آن جور نیست که

تهران تصمیم بگیرد. مردم تصمیم گیر هستند و به

آن کسی که می‌خواهند رأی می‌دهند.» اما در ادامه،

حسن روحانی پس از آن ذهن مخاطب را کامل به

سنت و سوی تشریفات بودن انتخابات رژیم سابق

برده است، به گونه‌ای از رد صلاحیت‌ها سخن می‌گوید

که گوید: «این کشور تشریفات نیست. انتخابات برای

این در حالی است که جایگاه ریاست جمهوری برای

همه مردم است. رئیس‌جمهور، رئیس‌جمهور

همه مردم است. اما حالا که روحانی خواسته نه رئیس

جمهور، بلکه لیدر یک حزب باشد، کاش از اعضای رد

صلاحیت شده حزب خود بخواده دلایل رد صلاحیت

را منتشر کند. شورای نگهبان برای این کار منع قانونی

دارد، اما دول‌طلبان چنین معنی ندارند. آیا روحانی از این

شفافیت دفاع و دلایل رد صلاحیت هم حزبی‌هاش را

منتشر می‌کند؟

قیاس وضعیت کنونی با انتخابات پهلوی و

انحراف انقلاب مشروطه

اما از بخش‌های قابل تأمل سخنرانی رئیس‌جمهور،

تشابه‌سازی او میان انتخابات کنونی ایران و

انتخابات‌های زمان پهلوی و سپس از انحراف انقلاب

مشروطه است. ابتدا نصف مطلب مشروطه را می‌گوید.

«ما از مشروطه با مسئله آرا و رأی مردم و انتخابات و

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

مجلس آشنا شدیم. البته انقلاب مشروطه از مسیر

پایان

| روزنامه جوان | شماره ۵۸۵۵ |

سرویس سیاسی، ۸۸۴۹۸۴۲

در فضای عمومی خودزنی می‌کند؟! و بدتر اینکه آیا او فکر نمی‌کند که ریاست‌جمهوری‌اش حاصل همین سیستمی است که اکنون آن را زیر سؤال می‌برد؟

روحانی عصر دیروز با توتیب بخشی از سخنانش وزدن

هشنگ انتخابات تشریفاتی، تشکیک‌اش در سلامت

انتخابات را تکمیل کرد.

تخفیف‌شان شورای نگهبان

روحانی در سخنرانی‌اش گرچه بر قانون اساسی تأکید

می‌کند، اما عملاً به تخفیف‌شان قانونی شورای نگهبان

اقدام می‌کند و آن را یک «احتیاطی» در یک «کناری»

می‌نامد: «مجری انتخابات و مجری قانون، وزارت

کشور، استانداران و فرمانداران هستند، انتخابات را

اینجا اجرا می‌کنند. حالا قانون اساسی ما احتیاط کرده

و گفته است یکدستگویی هم از کنار نظارت کرد یعنی

یک عده‌ای را گفتند شما اینجا‌ین بالا بیایستید، نگاه

کنید ببینید اینجا یک وقت خلاف نکنند؛ همین!»

و بعد طعنه می‌زند: «حالا اگر برعکس شد؛ ناظر شد

مجری…»

و یا به استهزای تحقیقات محلی در مورد کاندیدبا

می‌پردازد: «اینکه نمی‌شود که نهادهای اصلی قانونی،

چهار کتگی که باید بگویند این فرد صالح است یا نیست،

همه گزارش درست دادند و یکی را فرستادند در یک

کوچه‌ای و اصلاً معلوم نیست با چه کسی صحبت کرده

و چه گفته، بعد آمده گزارشی نوشته، مگه می‌شود با

یک چنین چیزی کشور را اداره کرد. اگر می‌خواهیم

با رفتن در خانه‌ها درست کنیم، پس این دستگاه‌ها

را تعطیل کنیم این وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی

و دادگستری برای چه داریم، برویم همان در خانه‌ها و از

دو همسایه بپرسیم!؟»

او البته آشکارا مغایطه می‌کند؛ دلایل رد صلاحیت

هم حزبی‌هاش را منتشر کند تا روشن شود حسب

تحقیقات محلی رد شده‌اند یا استعلام‌های قضایی و

اطلاعاتی؟! آن وقت صدق و کذب این ادعاها و تمسخرها

روشن می‌شود، روحانی حتی یک قصه‌ای هم در این

زمینه تعریف می‌کند: «یک داستانی که البته برای

انتخابات قبلی است و آقای من هم گفت که من صدر در

صدنم تأیید می‌شوم و گفت من همه همسایه‌ها را دیدم

و به پنهانی‌های کاوادم و همه از من تعریف می‌کنند.

این انتخاباتی که قبلاً به همه همسایه‌ها کادو بدیم

تا صلاحیت ما تأیید شود، پس معلوم است ما یک

اشکالتی داریم.»

تکه پرکنی سیاسی روحانی

رئیس‌جمهور در تشریفاتی از لزوم وحدت در کشور

می‌گوید که همچنان عادت خود به تکه‌پرانی‌های

بی‌طرف سیاسی را حفظ کرد و با دشمنی فرضی

می‌جنگد. او اولین انتخابات پس از انقلاب اسلامی

یعنی فرآیند جمهوری اسلامی می‌گوید و بعد معلوم

نیست به کدام مخاطب، طعنه می‌زند که: «انتخابات

اول در فروردین سال ۵۸ راهم بررسی و فرآیند شروع

شد چون بعضی از کلمه فرآیند خوش‌شان نمی‌آید.»

و بعد با تأکید بر اینکه علاوه بر نظام، پایه قانون اساسی

هم بهیچ‌بررسی است. باز کلیه می‌زند و دیگران را

دچار بی‌بررسی می‌خواند که: «این را تأکید می‌کنم. برای

اینکه اخیراً بعضی‌ها نسبت به این کلمه همه بررسی

حساسیت پیدا کرده‌اند و بعضی از حساسیت‌ها نه به

اندازه کرونا، خطرناک است و آدم باید مواظب باشد که

این بهیچ‌تنبه‌آوری و رقه بنویسد، دو مرتبه در

صندوق بیرون‌زد و باز یکی می‌خواند، یک علامت

می‌زند و معلوم نیست آن، چه چیزی را می‌خواند و

باید پاسدار جمهوری باشیم، باز برگ طعنه زدنش گل

کرده و معلوم نیست خطاب به کدام مخاطب خیالی،

می‌گوید: «مهم نیست جمهوری در قانون اساسی ما هست،

اما می‌ترسم یک روزی این کلمه جمهوری هم باز

جرم شود.»

در جایی دیگر گویا شاهد یک کل کل استکلابدومی

هستیم و البته روحانی برده از اطلاع خود از جلسات

</